

اشاره

«پرتیکان» یکی از ایالات دوره امپراتوری هخامنشی بوده است که در متون و ادوار تاریخی مختلف با نام‌های پاراتاکنیان، پاراتاکن، پری تاکن، پری تیکان، فری تیکان، فریدین و با نام امروزی «فریدن» خوانده شده است. تنها نام بر جای مانده از این استان بزرگ و کهن، شهرستان فریدن امروزی است در غرب استان اصفهان که در میان دامنه‌های زاگرس مرکزی واقع شده است. در این پژوهش کوتاه سعی شده است تاریخ و تحولات این ساتراپ در ازمنه باستان به روش توصیفی و کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: پری تیکان، ساتراپ، دوره باستان، فریدن

پرتیکان باستان

هدایت فرح‌بخش

دبیر تاریخ، بوئین میاندشت



فراتر از سه هزار سال پیش بخشی از مهاجران شعبه شرقی قوم آریایی به تدریج در نواحی مرکزی و شمال غربی تا کوهپایه‌های غرب فلات ایران ساکن شدند که با گذشت زمان، به لحاظ تعاملات معیشتی، اقتصادی، جغرافیایی، فرهنگی و امنیتی، بین آن‌ها پیوستگی بیشتری پدید آمد. بعدها به سبب تحولات سیاسی اجتماعی ناشی از تحولات بی‌وقفه آشوریان، پیوستاری قبایل مهاجر به محوریت قوم ماننا (مان‌نا) (مه‌ننا) اتحادیه‌ای را به همین نام سبب گردید^۱ (قدیانی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۷۴۴ و ۷۴۵). چندی بعد اتحادیه مذکور بر اثر ناهماهنگی‌های سیاسی و نظامی و فکری دچار استحاله شد و اجتماعی پیشرفته‌تر و اندیشه‌های مدون و مقوم از آن برآمد که تمدن ماد (مدوهنجا-مدوهنگا) نتیجه آن بود.

مورخان سرزمین ماد کهن را مرکب از سه ناحیه بزرگ دانسته‌اند. اول، ماد آتروپاتن که شامل آذربایجان و کردستان تا حوزه شرق دجله علیا را شامل می‌شده است. دوم، ماد سفلی که عراق عجم تا حوزه قومس (سمنان امروزی) و لرستان را دربر می‌گرفته است، و سوم، ماد پارتاکناک (پاری تاکن) که میان مناطق کوهستانی شرق آنزان تا دشت‌های پرفراز و نشیب کاسیان و حوزه آبریز زاینده رود محدود و محصور بوده است. (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۵: ۵۲)

در کتیبه‌های آشوری و الواح گلی به‌دست آمده از حفاری‌های شمال کرکوک و سرزمین‌های جنوبی دریاچه

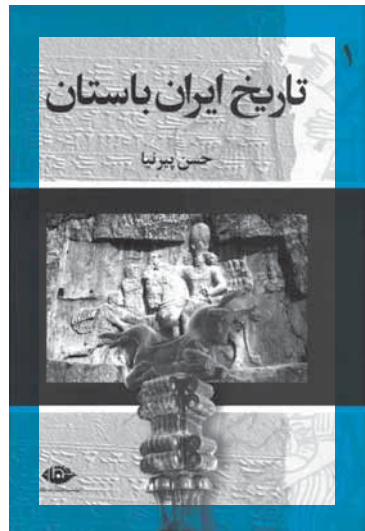
«وان» در ترکیه مطالبی وجود دارد که از لشکرکشی تیگلات پلسر اول، شاه قدرتمند آشور، به ماد کهن، در حدود نهمصد سال قبل از میلاد مسیح حکایت دارد. گزارش‌ها و مندرجات لوحه‌های به‌دست آمده به خراج سالیانه سنگینی که نسبت به اقوام ماد تحمیل گردیده، اشاراتی دارد که نشانگر باجگزاری قبایل و طوایف این سرزمین و انقیاد آنان نسبت به آشوری‌های مهاجم به حساب می‌آید.

از کتیبه‌های منحصر به فرد که از شلما نصر دوم، فرمانروای نیرومند آشوری بر جای مانده (۸۳۹ ق. م) چنین به دست می‌آید که بعضی از قبایل «مادای» (ماد) به‌خصوص پارتاکناک‌ها از فرمان او سرپیچیده و با فرماندهان، مأموران و ممیزان مالیاتی دشمن به مبارزه پرداخته و حاضر به تمکین سیاسی و اقتصادی نبوده‌اند (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۵: ۵۳)

پارتاکن‌ها در مبارزه با آشور

بر اساس اطلاعات حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی و آثار به‌دست آمده از سال ۷۲۶ ق. م، بخش بزرگی از ماد پرتیکان از سلطه دشمنان به در آمده که مادها آن را «پاهرا»، به معنی آزاد، نامیده‌اند.^۲ چنان‌که هرودوت گوید، اولین مردمی که از فرمان آشوریان سرپیچیدند مادها و به‌ویژه پارتاکن‌ها بودند. ممکن است این گروه مادها از حمایت قبایل پارسی ساکن در بلاد جنوبی و شرق خود، به لحاظ تعاملاتی که با آنان داشته‌اند، برخوردار گردیده و به این امر مهم دست یافته باشند. تاکن‌های آزاد (پری تاکن‌ها) در افول و سقوط آشوریان به همراه دیگر قبایل مادی و مساعدت‌های اقوام همجوار خود نقشی اساسی داشته‌اند. (ساتراپی‌های شاهنشاهی هخامنشی، ۱۳۳۸: ۱۰۳-۹۰) به نظر می‌رسد این بخش از ماد واسطه میان هم‌نژادان خود و پارس‌ها بود و نقش انتقال اطلاعات و همکاری‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بعدی را در این زمینه و میان طرفین ایفا نموده‌اند.

«پری تاکن‌ها» (تاکن‌های آزاد) به‌خاطر عملکرد اساسی و حیاتی که در ظهور و بروز تمدن ماد داشتند به‌سرعت از قدرت نظامی و اقتصادی بیشتری برخوردار گردیده و در شکل‌گیری ارتش و نیروی اداری مادهای تازه نفس، به‌خصوص در سرزمین‌های جنوب شرقی این دولت، نقش بی‌بدیل ایفا نمودند. (رضازاده شفق، ۱۳۳۹: ۴۶) سالیان متمادی از تحركات

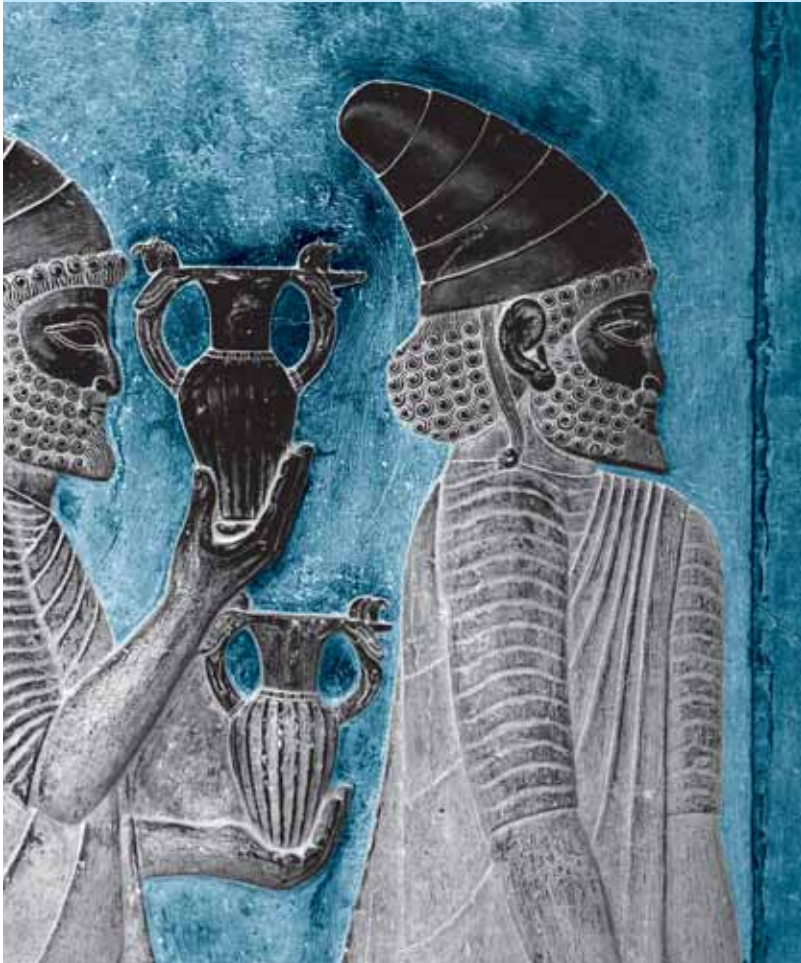


«پری تاکن‌ها» (تاکن‌های آزاد) به‌خاطر عملکرد اساسی و حیاتی که در ظهور و بروز تمدن ماد داشتند به‌سرعت از قدرت نظامی و اقتصادی بیشتری برخوردار گردیده و در شکل‌گیری ارتش و نیروی اداری مادهای تازه نفس، به‌خصوص در سرزمین‌های جنوب شرقی این دولت، نقش بی‌بدیل ایفا نمودند

و تأثیرات قوم مادی «پری تاکن» در متون تاریخی با نام‌های «پارتاکناک» یا عناوین دیگری همچون «پاری تیکان» «پری تیکان» یا «فری تیکان» یاد شده است.

پارتاکن‌ها در عصر هخامنشی

آنچه از دیگر متون کهن و باستانی تمدن‌های دیرباز



مستفاد می‌شود آن است که «تاکن‌های آزاد» (پری تاکن‌ها) در فراز و فرود دولت ماد نقش‌های ناهمگون و متناقض داشته‌اند، چنان‌که بر خلاف اینکه در اول با حکومت «مادای» هگمتانه همکاری و همیاری داشتند در دوران بعدی به خاطر کم توجهی شاهان و نپرداختن دولت سالاران به امور مردم و جنگ‌های طولانی و رکود اقتصادی جامعه «پری تاکن» و همچنین تحریکات سران قوم پارسی به مخالفت و معاندت با حاکمان ماد پرداختند و در سقوط و زوال درباریان و درگاهیان آنان، پارسیان را مساعدت و مصاحبت نمودند و همین عامل باعث شد که در امپراتوری عظیم هخامنشی به نقش بی‌بدیل آن‌ها توجه خاصی گردید و ایالت و ساتراپی با نام آن‌ها در روش اداری و تقسیمات جغرافیایی آریاییان پارسی شکل گرفت و به‌وجود آمد. (همان: ۶۰ و ۶۱)

این سرزمین و مردمانش از هسته‌های اصلی و محوری امپراتوری هخامنشی به حساب می‌آمدند. از نظر اقتصادی یکی از آبادترین نقاط مرکزی ایران ساتراپ پرتیکان بوده است زیرا جاده‌های متعددی که مسیر و محل تردد کاروان‌های تجاری به‌شمار می‌آمدند از این منطقه عبور می‌کرده‌اند.

مردم ایالت پرتیکان مالیات و خراجی به امپراتوری بزرگ پارس نمی‌پرداختند. به‌طوری که هرودوت آن‌ها را با پارسیان یکی دانسته است. (یاکابوسکی، ۱۳۵۵: ۲۲) ممکن است به علت آنکه تاکن‌های آزاد (پری تاکن‌ها) در انتقال اطلاعات سیاسی، نظامی و اداری دولت «مادای» (ماد) به کارگزاران هخامنشی نقش بزرگی ایفا می‌کردند و همچنین در امور راهداری و اقتصادی پارس‌ها را یاری می‌کردند و با آنان در مقابله با دشمنان ایران همکار و همساز بوده‌اند باعث پدیداری چنین نظری در میان مورخان یونانی شده است. تجانس فکری، همبستگی‌های سیاسی و اجتماعی و اختلاط و امتزاج عملکرد که به‌دنبال تعاملات جمعی شکل می‌گیرند در این برهه به‌خوبی نمایان شد. به گفته «پیرنیا» از تخت جمشید پنج راه به شوش، پرتیکان (فردین امروزی) کرمان، بنادر دیلمان و هرمز در خلیج فارس کشیده شده بود. (پیرنیا، ۱۳۶۰، ج ۲: ۳۸۳ و ۳۸۴)

ساتراپ پری تاکن (پرتیکان) شامل سرزمین وسیعی بوده است که از طرف شرق تا گی [جی] یا اصفهان امروزی و از سوی غرب تا ایالت اکباتان [همدان] و جهت شمالی آن تا راگا [ری] و از دیگر سوی تا نواحی آنزان [شمال شرقی خوزستان] گسترده بوده است. وجود دو شاهراه بزرگ تخت

جمشید و ری که هر دو از «پری تیکان» عبور می‌کرده‌اند علاوه بر موقعیت مناسب اقتصادی بر اهمیت اداری و نظامی و سیاسی آن می‌افزوده است. (میرمحمدی، ۱۳۸۲: ۵۶) و ساتراپ پرتیکان به مرور همگام با بزرگان و حاکمان خود از مزایای همراهی و همکاری با امپراتوری هخامنشی برخوردار گردید و همپای آنان قدرتمند شد و سپس همپای ایشان به ضعف گرایید. توان اقتصادی و تولیدی جامعه کاهش یافت و اختلافات اجتماعی گسترش پیدا کرد. (مشکور، ۱۳۷۹: ۲۴۲)

عصر سلوکی‌ها

با یورش اسکندر به ایران ایالات غرب دولت هخامنشی دچار رکود و ویرانی شدند، مقاومت‌های مردمی، بیگانه‌ستیزی و کمبود آذوقه حرکت دشمنان را با سختی و شکست مواجه ساخت. در پی آن، برای تأمین هزینه‌های لشکریان، «کُساتر»



ماندند. (گوتشمید، ۱۳۶۷: ۱۸۵-۱۸۱) سرزمین پری تیکان با حملات بیگانگان به ضعف گرایید و مدتی بعد با جنگ‌های خونینی که میان سرداران و جانشینان اسکندر در سال ۳۱۷ قبل از میلاد در گرفت به شدت ویران شد و آبادانی خود را از دست داد. (دیاکونف، بی تا: ۲۳۶-۲۳۴) آنچه از متون تاریخی مستفاد می‌گردد آن است که در هم ریختگی نظام اجتماعی و اقتصادی شهرها و روستاهای حوزه جغرافیایی تاکن‌های آزاد در دوره هلنی‌های مهاجم چنان بوده است که کوه‌نشینان الیمایی که محل استقرارشان میان کوهستان‌های شمال شرقی خوزستان و شرق لرستان کنونی بود. تاروپود جامعه از هم گسیخته پری تیکانی را با حملات غارتگرانه و پی در پی خویش پاره کرده و فرسودند. برخی مورخان مانند استرابون الیماییان را، که کوچ‌نشینان کم فرهنگ و بدوی بودند، جزء ساکنان پری تیکان برشمرده‌اند (میرمحمدی، ۱۳۸۲: ۶۰) که چنین نیست. احتمال می‌رود تسلط چند دهه آن‌ها بر این ساتراپ که به صورت متناوب و محدودی ادامه داشته، باعث پیدایش چنین نظر و اندیشه‌ای شده است.

پار تاکن‌ها در دوره پارتیان

با قدرتمند شدن پارت‌های آریایی و ظهور دولت شهرهای اشکانی، «یوم ساخت» فرهنگی اجتماعی «پری تیکان» تغییر و تحول اساسی یافت. اقتصاد لرزان این منطقه هر لحظه به وسیله کوچروان فرصت طلب تهدید می‌شد. کارگزاران و ارتش سالاران دولت‌های محلی برای ایجاد امنیت و آرامش راه‌ها و کاروانیان و همچنین آموزش و آماده‌سازی نیروهای سواره نظام برای مقابله با دشمنان به ساخت و تجهیز پادگان‌های کوچک و بزرگ و احداث قلعه‌های نظامی پرداختند. (شکرانی، ۱۳۷۶: ۷۴) به نظر می‌رسد با این اقدام اندکی بر مشکلات فائق آمده و در دوره‌های متناوب، مردم «پری تیکان» و سرزمین‌های مجاورش در آرامشی نسبی به سر می‌برده‌اند. این دژها و پادگان‌ها در دوره‌های بعد و به خصوص در دوره ساسانیان مورد توجه و تعمیر قرار نگرفت و به مرور فروریخت و ویران شد. ساسانیان به قلاع مرزی و سرحدات خود اهمیت بیشتری می‌دادند و به تمرکز نیروهای جنگاور خود در حدود و ثغور امپراتوریشان تکیه داشتند. (لکه‌پارت، ۱۳۵۵: ۱۱۲ و ۱۱۳) طی مطالعات باستان‌شناختی و کاوش‌های

والی شوش که به شدت مورد تنفر مردم بود «پری تاکن» اعزام گردید تا بتواند از منابع موجود در این ساتراپ، دشمنان را یاری رساند و تجمع مخالفان حضور بیگانه در این ایالت را برهم زند و فرو بپاشد. (داندامایف، ۱۳۵۵: ۱۹۴)

به نظر می‌رسد هسته‌های مقاومت مردمی و پادگان‌های نظامی و علاوه بر آن ویژگی‌های طبیعی و دفاعی منطقه، پیشگامان سپاهیان دشمن را در رسیدن به خواسته‌هایشان ناکام ساخته و به همین خاطر چندی بعد اسکندر با تحمل تلفات فراوان و گذر از میانه‌های زاگرس، سرزمین «پری تیکان» را تسخیر و تصرف نمود. (پیرنیا و همکاران، ۱۳۷۲: ۶۴ و ۶۵) آلفردفون گوتشمید می‌نویسد: از نواحی متصرفه اسکندر فقط سه ایالت «پاراتاکن»، طبرستان و اری، یا به‌خاطر خصوصیات جغرافیایی و کوهستان‌های تودرتسو و راه‌های ارتباطی‌شان، مانند زمان داریوش اول به‌صورت ساتراپ و ایالت باقی

انجام شده آثاری از این استحکامات نظامی و راهداری در محدوده جنوب غربی فریدون شهر و غرب بوئین و میاندشت و شرق داران (غرب استان اصفهان) به دست آمده است. براساس نگاره‌های موجود در آثار کشف شده که در سال ۱۳۵۱ ه. ش هویت‌نمایی و سال‌یابی شده‌اند، آثار و ابنیه و دژهای حوزه گلبایگان (جرپادگان) و کشفیات حاصله از قلاع محدوده شرق لرستان همگی از دوره اشکانیان برجای مانده‌اند. (شکرانی، ۱۳۷۶: ۸۱ و ۸۲)

در عصر ساسانی

با ظهور دولت پارسی‌نژاد ساسانی سرزمین «پری تیکان» اندک اهمیت خود را نیز از دست داده و به چند دلیل اقل و نزول یافت. اول: به خاطر ناهماهنگی‌های سیاسی موجود در میان دولت‌مردان اشکانی و حاکمان محلی آنان پایه‌های فرهنگی اجتماعی و به خصوص توانایی اقتصادی این محدوده جغرافیایی و دیگر نقاطی که بیشتر بر نظام شبانی استوار بودند از بین رفت. دوم: هجوم دشمنان خارجی و یونانی‌های هرج و مرج طلب. سوم: تهاجمات گاه و بیگاه بدویان داخلی مانند ایلیماییان. چهارم: گرفتن مالیات‌ها و خراج‌های گوناگون جهت اداره دولت شهرها و تعمیر و ساخت قلاع یا تأمین هزینه جنگ‌ها. پنجم: ساسانیان با رفتارهای سیاسی فکری و اداری اشکانیان موافق نبودند و به ابنیه و استحکامات آنان توجهی نمی‌کردند که پیامد آن ویرانی و تزلزل اجتماعی گسترده بود. فکری فرهنگی میان ساسانیان و دولت پیش از آن‌ها یعنی اشکانی باعث بروز و شکل‌گیری فرایند نامندی از جهات گوناگون در جامعه شد. (فرای، ۱۳۵۶: ۳۶ و ۳۷) ساسانیان با هدف گسترش و ترویج آیین زردشت برای پیروان ادیان دیگر سختی‌ها و صعوبت‌هایی را پدید آورده و فشارهای مضاعف مذهبی و سیاسی آن‌ها باعث شد که در محدوده پری‌تیکان روستاها و سکونت‌گاه‌های جدیدی از پیروان و گروندگان به زردشت شکل گیرد و بافت اجتماعی و فرهنگی این بخش از ایران دچار تغییر و استحاله شود. براساس نظر میرسیدعلی جناب مؤلف «الاصفهان» سکونت‌گاه‌های پیروان دین زردشت در این حدود به پسوند «آن» ختم می‌شده است که نشانه حاکمیت مطلق کدخدایان ساسانی در آن محل بوده است مانند «تیران» یعنی (از آن تیرداد) «اران» یعنی (از آن دارا) «تندران» یعنی (از آن

تندر) (جناب، ۱۳۷۱: ۱۲۱-۱۱۹). این نظر چندین صائب و ثابت شده نیست ولی در برخی نقاط و نواحی پری تیکان نشانه‌ها و آثاری از فرهنگ دوره ساسانی برجای مانده است که به‌عنوان نمونه منطقه موسوم به «ده روستایی» در حاشیه شهر «افوس» با شیوه‌های فرهنگی و شهرسازی این دوره تطابق داشته و نشانگر توسعه و تحکیم جامعه زردشتی در «پری تیکان» باستان بوده است.

در مجموع ایران و به دنبال آن ساتراپ «پری تیکان» به نوشته دکتر زرین کوب سلسله دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی دینی و اقتصادی در حیات مردمان این سرزمین تأثیراتی شگرف بر جای گذاشته‌اند تا آیندگان به این تحولات بهتر بیندیشند و ستبری تاریخ ایشان دقیق‌تر نمایان گردد. (زرین کوب، ۱۳۸۱: ۳)

پی نوشت

۱. قوم ماننا (مان نایی) قومی کوچک ولی فعال و متمکن در حوزه جنوبی دریاچه ارومیه بوده است. این قوم با استفاده از موقعیت رقابت‌های بین «رار توها» و آشور توانستند قدرت نیمه سیاسی نظامی قابل قبولی را به‌وجود آورند. و یک قرن و اندی خود را در مقابل هجوم مکرر دشمنان حفظ نمایند. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: فرهنگ تاریخ ایران ج ۲: ۷۴۴ و ۷۴۵
۲. پاهرا در زبان سانسکریت به معنای آزاد است که در دوره‌های بعد «په‌ری» و «پری» با آن همخوانی دارد.

منابع

۱. الاصفهانی، محمد مهدی ابن محمد رضا؛ نصف جهان فی تعریف الاصفهان، به تصحیح منوچهر ستوده، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۷.
۲. پیرنیا (مشیرالدوله)، حسن؛ تاریخ ایران باستان، جلد دوم، تهران: انتشارات ابن سینا، ۱۳۶۰
۳. پیرنیا، محمد کریم و همکاران؛ راه و رباط، تهران: انتشارات آرمین، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۴. جناب، میرسیدعلی؛ الاصفهان، به اهتمام عباس نصر، اصفهان: انتشارات گله، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
۵. دیاکوف؛ تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی ارباب، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم، بی‌تا.
۶. دادامایف؛ تاریخ سیاسی اقتصادی و اجتماعی هخامنشیان، ترجمه میرکمال نبی‌پور، تهران: انتشارات امیری، چاپ دوم، ۱۳۵۵.
۷. زرین کوب، عبدالحسین و روزبه؛ تاریخ ایران باستان (ساسانیان)، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۸. رضازاده شفق، صادق؛ ایران از نظر خاورشناسان، تهران: انتشارات گوهر، ۱۳۴۹.
۹. زرگری‌نژاد، دکتر غلامحسین؛ تاریخ سیاسی اجتماعی ایران قبل از اسلام، تهران: انتشارات دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی، چاپ چهارم، ۱۳۷۵.
۱۰. شکرانی، ابوالقاسم؛ تاریخچه برخی بناهای تاریخی ایران، اصفهان: بی‌نام، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۱۱. فن گوتشمید، آلفرد؛ تاریخ ایران و ممالک همجوار آن از اسکندر تا انقراض اشکانیان، ترجمه کی‌کوس جهان‌داری، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر، چاپ ششم، ۱۳۶۷.
۱۲. قدیانی، عباس؛ فرهنگ تاریخ ایران، جلد دوم، تهران: انتشارات آرون، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۱۳. لکهارت، لارنس؛ شهرهای نامی ایران، ترجمه سعادت نوری، نشر سازمان جلب سیاحان، ۱۳۵۵.
۱۴. مشکور، محمدجواد؛ تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان، تهران: انتشارات زرین، چاپ هفتم، ۱۳۷۹.
۱۵. میرمحمدی، حمیدرضا؛ جغرافیای تاریخی فریدن (پرتیکان باستان)، اصفهان: انتشارات ارمان قلم، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
۱۶. یاکوبوسکی؛ تاریخ ایران از دوران باستان تا سده هجدهم، ترجمه کریم کشاورز، تهران: مؤسسه مطالعات اجتماعی، چاپ دوم، ۱۳۵۵.
۱۷. ساتراپی‌های شاهنشاهی هخامنشی؛ نشریه باستان‌شناسی، شماره‌های سوم و چهارم، ۱۳۳۸.
۱۸. نلسون فرای، ریچارد؛ پارت در زمان اردوان سوم، نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان سال چهارم، شماره اول، ۱۳۵۶.
19. Christensen Arthur - «sasanid Persia» - the Cambridge ancient history Vol. 12- 1989.